تعلیم و تربیت و اجتماع

اردبیلی، سید علی

تعلیم و تربیت یک پدیدهء اجتماعی است و با تمام شئون جامعه رابطه‏ مستقیم دارد و آموزش و پرورش نه تنها بایستی جوابگوی احتیاجات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و صنعتی کشور باشد،بلکه باید با ذوق و شوق دانش‏ آموزان و دانشجویان نیز مطابقت کند.از طرفی نباید شکافی بین مدرسه‏ و اجتماع،و بین آموزش ابتدائی،متوسطه و عالی ایجاد گردد.

تعلیم و تربیت دشوارترین و پیچیده‏ترین کار بشر است زیرا با پیچیده- ترین دستگاه یعنی انسان سروکار دارد لذا آموزش و پرورش باید نه تنها با رشد جسمی،عاطفی و ذهنی دانش‏آموزان سازگار باشد،بلکه باید در دبیرستان و دبستان و دانشگاه برنامه متد تدریس مطابق با ذوق و شوق آنان‏ گردد.لازم است دوره دبستان را از سایر دوره‏های تحصیلی جدا کرد،در دبستان دانش‏آموز بیشتر معلمی را دوست دارد که بقول رابله(او را دریائی‏ از دانش سازد)در حالیکه دبیرستان دورهء نوجوانی و جوانی است سن نوجوانی‏ سن اضطراب و نگرانی است دانش‏آموز در عین حال که می‏خواهد چیزی‏ یاد بگیرد ضمنا می‏خواهد معلم مسأله او را بفهمد و حرفهای او را درک‏ کند و با او برادری مهربان باشد.جوانی با شور و شوق توأم است وظیفهء تربیت آنست که موج شور و شوق را بی‏آنکه درهم بشکند نظم بخشد و آن‏ را در راه خصائل خوب انسانی سوق دهد.در دبیرستان مربی باید بجوانان‏ سرمشق خونسردی و استحکام اراده باشد تا آنانرا از اضطرابهای بیهوده باز دارد و به تشخیص حدود خود عادت دهد.ضمنا این دوره احساس کسب شخصیت‏ است معلم کاردان کسی است که یادگیری و تربیت را با یکدیگر توأم کند و بداند که کسب علم و هنر،ضامن سعادت فرد و جامعه نیست بلکه خوشبختی‏ منوط بر این است که از معلومات انسانی بنفع جامعه و اجتماع عظیم بشری‏ استفاده شود.از اینجا آشنائی تمام مربیان با مسائل روانشناسی تکوینی و متدهای جدید آموزش و پرورش-ضرورت مییابد.دبیرستان باید نوجوانان و جوانان را برای دنیائی که مدام علم و تکنیک بسرعت هرچه تمامتر در آن رشد می‏کند آماده سازد و چنانکه سازد و چنانکه گذشت،نباید شکافی بین مدرسه و اجتماع‏ بوجود آید و برای اینکه این شکاف از بین برود لازم است مدارس حرفه‏ای‏ باندازه‏ی کافی تأسیس گردد.ریمون آرون بزرگترین جامعه‏شناس فرانسوی‏ در این مورد چنین میگوید:

(بر روی هم دو نوع ایدئولوژی در کشورهای در حال توسعه درباره‏ آموزش و پرورش وجود دارد)یکی بیشتر بتولید ناظر است و دومی بانسان‏ نگران است،بدین معنی باید به تربیت تکنیسین‏ها و متخصصین همت گمارد از طرف دیگر به جنبه انسان دوستی تعلیم و تربیت،یعی رشد همه استعدادهای‏ انسانی بصورت متعادل و متوازی پرداخت.

ناگفته نماند که در کشور ما نقص مهم و بزرگ تعلیمات متوسطه نبودن‏ هدف مشخص است لذا باید ارزشهای این عصر و زمان معلوم گردد تا روشن‏ شود که طالب کدام شخصیت اساسی هستیم آنوقت همه وسایل تربیتی را برای‏ نیل به آن بسیج کنیم.در دبیرستانهای ما هنوز روش تدریس قدیمی متداول‏ است و از آزمایشگاه،وسایل سمعی و بصری،کار دسته جمعی،تحقیق انفرادی‏ و جمعی و گردشهای علمی خیلی کم استفاده می‏گردد.تنها روش تدریس‏ تقریر معلم و بخاطر سپردن محصل است،روش تعلیم باید از صورت تقریر معلم فراتر رود و روشهای متحرک چون کار گروهی و استفاده از ماشین‏های‏ آموزش در کلاس بکار افتد،بجای انباشتن معلومات بر ذهن متعلمان باید شیوه تفکر و استدلال و مطالعه و تحقیق و ابتکار به آنها یاد داد.علاوه بر متد تدریس به تربیت دبیران علوم در رشته‏های علمی بایستی توجه بخصوص شود امید ما آنست که هماهنگی بخصوصی بین نیازهای اجتماع و تعلیم و تربیت‏ ایجاد شود.